

AET1
Asian and Middle Eastern Studies Tripos, Part IB

Tuesday 31 May 2016 9 to 12:00 pm

Paper MES15

Intermediate Literary Persian

Answer **two** questions from **Section A** and **two** questions from **Section B**. All questions carry **equal** marks.

Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 page answer booklet
Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS TO BE SUPPLIED FOR THIS EXAMINATION

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed to do so.

SECTION A

Choose **two** of the following **seen** passages for translation into **English** and comment

1 (a) Translate the following passage (10 marks) and (b) transcribe and scan lines 111 and 119, and comment briefly on the role of Tahmina in the story (15 marks).

<p>سواری چو رستم نیامد پدید سرش را نیارست گردون پسود بیاورد و بنمود پنهان بدوی کز ایران فرستاده بودش پدر نباید که داند ز سر تا به بن شده سستی سرافراز گردنگشان دل مادرت گردد از درد ریش کسی این سخن را ندارد نهان ز رستم زنند این زمان داستان نهان کردن از من چه آیین بود؟ فراز آورم لشکری بی کران از ایران بیرم پی طوس را نشانش بر گاه کاوس شاه ابا شاه روی اندرآرم به روی سر نیزه بگذارم از آفتاب نباید به گیتی یکی تاجور ستاره چرا بر فراز د کلاه؟</p>	<p>جهان آفرین تا جهان آفرید چو سام نریمان به گیتی که بود؟ یکی نامه از رستم جنگ جوی سه یاقوت رخشان و سه مهره زر بدو گفت کافراسیاب این سخن پدر گر شناسد کنون زین نشان چو داند بخواندت نزدیک خویش چنین گفت سهراب کاندر جهان بزرگان جنگاور از باستان نبرده نژادی که چونین بود کنون من ز ترکان جنگاوران برانگیزم از گاه کاوس را به رستم دهم تاج و تخت و کلاه از ایران به توران شوم جنگ جوی بگیرم سر تخت افراسیاب چو رستم پدر باشد و من پسر چو روشن بود روی خورشید و ماه</p>	<p>110</p> <p>115</p> <p>120</p> <p>125</p>
---	--	---

Firdausi, *Shahnama*, ed. Djalal Khaleghi-Motlagh (New York, 1990), vol. II, pp. 126-127.

2 (a) Translate the following three passages from Sa'di's *Golestan* (10 marks) and (b) comment on their meaning and on how they fit within the work (15 marks).

مثل 6

پادشاهی پسر به ادیبی داد و گفت این فرزند را تربیت کن چنان که یکی از فرزندان خویش را. گفت فرمان بردارم. سالی چند بر او سعی کرد. به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک دانشمند را مؤاخذت و معاتبیت فرمود که وعده خلاف کردی و شرط وفا به جا نیاوردی. گفت ای خداوند. تربیت یکسان است و طبایع مختلف.

گرچه سیم و زر ز سنگ آید همی
در همه سنگی نباشد زر و سیم
بر همه عالم همی تابد سهیل
جایی انبان می کند جایی ادیم

مثل 7

یکی را شنیدم از پیران مربی که مریدی را می گفت چند آن که تعلق خاطر آدمی به روزی است اگر به روزی ده بودی به مقام از ملائکه در گذشتی.

فراموشت نکرد ایزد در آن حال
که بودی نطفه مدفوق مدهوش
روانت داد و طبع و عقل و ادراک
جمال و نطق و رای و فکرت و هوش
ده انگشتت مرتب کرد بر دست
دو بازویت مرکب ساخت بر دوش
کنون پنداری ای ناچیز همت
که خواهد کردنت روزی فراموش

مثل 8

اعرابی را دیدم که با پسر می گفت یابئی اَنک مسؤل یوم القیامة بماذا اکتسبت ولا یتقال بمن انتسبت¹. تو را پرسند هنرت چیست و نگویند پدرت کیست

جامه کعبه را که می بوسند
او نه از کرم پیله نامی شد
با عزیزی نشست روزی چند
لاجرم همچو او گرامی شد

Sa'di's *Golestan*, Nurollah Iranparast (ed.), Danesh, Tehran 2535 (shahanshahi) (2nd ed.) pp. 210-212.

(TURN OVER)

¹ Oh son! On the day of Resurrection, you will be asked what you have gained and not from whom you are descended.

3 (a) Translate the following extract from Kashefi's *Anvar-e Sohayli* (10 marks) and (b) comment on whether the detailed descriptions of setting and action are important for the understanding of the story (15 marks).

دمنه گفت آورده اند در حوالی بغداد مرغزاری بود که نسیم آن بوی بهشت را معطر ساختی و عکس ریاحینش دیده فلک را منور گردانیدی از هر شاخ گلغذارش هزار ستاره تابان و در حسن هر یک از ستارگان نه فلک سرگردان (نظم)

روان آب در سبزه آبخورد
چو سیماب در پیکر لاجورد

ریاحین دمیده بر اطراف جوی
صبا عطر بیز و هوا مشکبوی

و در آن مرغزار وحوش بسیار بودند و بواسطه خوبی هوا و دلپذیری فضا و کثرت آب و وسعت نعمت روزگار در خوشی و رفاهیت میگذرانیدند و در آن نزدیکی شیری تندخوی بلاجوی بود که هر روز لقای نامبارک بدان بیچارگان نمودی و عیش و زندگانی برایشان منغص گردانیدی. روزی اتفاق نموده بنزدیک شیر رفتند و اظهار عبودیت و انقیاد کرده گفتند ایملک ما رعیت و حشم توایم و تو هر روز پس از رنج فراوان و مشقت بی پایان از ما یکی شکار توانی کرد یا نه و ما پیوسته از نهیب تو در کشاکش بلانیم و تو نیز در جستجوی ما بتکاپوی عناء اکنون اندیشه کرده ایم که ترا سبب فراغت گردد و ما را موجب امن و راحت اگر چنانچه متعرض ما نشوی و هر روز وقت ما را پریشان نسازی ما شکاری بهنگام چاشت وظیفه مطبخ ملک میفرستیم و تقصیری در ادای آن روا نمیداریم شیر بر آن رضا داد و ایشان هم روز قرعه افکندی و بنام هر کدام از وحوش که بر آمدی او را بوجه وظیفه نزد شیر فرستادندی تا بر اینحال مدتی بگذشت.

روزی قرعه بنام خرگوش بر آمد و زمانه او را هدف تیر بلا ساخت یارانرا گفت اگر در فرستادن با من مسامحتی کنید شما را ز جور این جبار باز رهانم گفتند درین باب هیچ مضایقه نیست خرگوش ساعتی توقف کرد تا وقت چاشت بگذشت و قوت سبعی شیر در حرکت آمده از خشم وجودش دندان بر هم میسود. خرگوش نرم نرم بسوی او رفت و وی را بغایت دلتنگ یافت آتش گرسنگی او را بر باد نشانده و فروغ خشم در حرکات و سکنات او پیدا آمده.

Kashefi, *Anvar-e Sohayli ya Kalila o Demne'ye Kashefi*, Amir Kabir, Tehran 1362 (3rd ed.), pp. 110-111.

4 (a) Translate this passage from Nezami, *Sharaf Nama*, the Dispute of the painters of Rum and Chin (10 marks), (b) transcribe and scan any one of the beyts and comment on the philosophical theory the story illustrates (15 marks).

بر این گوشه رومی کند دستکار	1	بر آن گوشه چینی نگارد نگار
نبینند پیرایش یکدیگر	2	مگر مدت دعوی آید به سر
چو زانکار گردند پرداخته	3	حجاب از میان گردد انداخته
ببینند کز هر دو پیکر کدام	4	نو آیین تر آید چو گردد تمام
نشستند صورتگران در نهفت	5	در آن جفته طاق چون طاق جفت
به کم مدت از کار پرداختند	6	میانبر ز پیکر برانداختند
یکی بود پیکر دو ارژنگ را	7	تفاوت نه هم نقش و هم رنگ را
عجب ماند از ان کار نظارگی	8	به عبرت فرو ماند یکبارگی
که چون کرده اند این دو صورت نگار	9	دو ارتنگ را بر یکی سان گزار
میان دو پرگار بنشست شاه	10	درین و در آن کرد نیکو نگاه
نه بشناخت از یکدیگر بازشان	11	نه پی برد بر پرده رازشان
بسی راز از آن در نظر باز جست	12	نشد صورت حال بر وی درست
بلی در میانه یکی فرق بود	13	که این می پذیرفت و آن می نمود
چو فرزانه دید آن دو بتخانه را	14	بدیع آمد آن نقش فرزانه را
درستی طلب کرد و چندان شتافت	15	کز آن نقش سر رشته ای باز یافت
بفرمود تا در میان تاختند	16	حجایی دگر در میان ساختند
چو آمد حجایی میان دو کاخ	17	یکی تنگدل شد یکی رو فراخ
رقمهای رومی نشد زاب و رنگ	18	بر آیینۀ چینی افتاد زنگ
چو شد صفۀ چینیان بی نگار	19	شگفتی فرو ماند از آن شهریار
دگر ره حجاب از میان برکشید	20	همان پیکر اول آمد پدید
بدانست کان طاق افروخته	21	به صیقل رقم دارد اندوخته

Nezami, *Sharaf Nama*, Vahid Dastgerdi (ed.), Tehran, 1372, pp. 1105-1106.

(TURN OVER)

SECTION B

Answer two questions [25 marks each]

1. Either “How strange the world’s ways are! All beasts will recognize their young – the fish in the sea, the wild asses in the plain..” What stops Rustam recognizing Suhrab?

Or, How does Firdausi set the scene for the tragedy of Rustam and Suhrab in his early depiction of their characters and motives?

2. Comment on the similarities and differences between birds as characters within the *Kalila-Demna* stories and ‘Attar’s *Manteq al-Tayr*

3. Does Rumi’s first story of “the king and his beloved” refer (stylistically or content-wise) to the introductory “Song of the Reed”?

4. What literary structure does Sa’di use in the *Golestan* and to what effect?

END OF PAPER